

## بررسی نقش آموزش و رعایت قانون به کارگیری سلاح بر روند اجرای مأموریت‌های

### نیروی انتظامی

ایوب فتحعلیان<sup>۱</sup>، هادی ثمره<sup>۲</sup>، ناصر شیرکوند<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۰۱  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

از صفحه ۹۷ تا ۱۱۴

فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی شرق استان تهران  
سال سوم، شماره دوازدهم، زمستان ۱۳۹۵

#### چکیده

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از ضابطان قضایی نقش به‌سزایی در روند عدالت اجتماعی و برقراری امنیت در جامعه دارد. وجود مأموریت‌های مختلف در داخل و حتی خارج از کشور از جمله مبارزه با مواد مخدر، قاچاق کالا و ارز، سرقت، برخورد با ارازل و اوباش، برقراری امنیت در مراسمات ملی و مذهبی و انتخابات، کنترل اجتماعات و... که به طبع در پاره‌ای اوقات همراه با درگیری مسلحانه با مجرمان است نیازمند آموزش قانون به کارگیری سلاح برای کارکنان نیروی انتظامی در روند اجرای مأموریت‌ها و مواقع مورد نیاز به کارگیری سلاح می‌باشد. حمل، نگهداری، خرید و فروش سلاح و مهمات برای افراد جامعه نیازمند مجوزهای قانونی خاص است؛ ولی نیروی انتظامی در انجام مأموریت‌های مذکور از سلاح استفاده می‌کند و این روند در قانون به کارگیری سلاح با وجود شرایط مقرر در آن پیش‌بینی شده است. در واقع برای افراد عادی جامعه موارد مذکور توسط قانون‌گذار جرم‌انگاری شده است، ولی با رعایت قانون برای کارکنان نیروی انتظامی نه تنها جرم نبوده، بلکه در مواقعی که در قانون مشخص شده است به کارگیری سلاح توسط مأموران انتظامی اجباری و بلکه وظیفه می‌باشد و عدم به کارگیری سلاح در این شرایط نوعی ترک فعل مجرمانه محسوب می‌شود. در واقع بیان این مطالب نشان می‌دهد که به کارگیری سلاح توسط مأموران انتظامی با رعایت قانون در اموراتی همچون تعقیب و کشف جرم، دستگیری بزه‌کاران و... از عوامل موجهه جرم است.

#### کلید واژه‌ها

قانون، سلاح، امنیت، عدالت اجتماعی، عوامل موجهه جرم.

۱- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

۲- کارشناسی ارشد مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

۳- دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی دانشگاه آزاد رودهن

## مقدمه

لازمه ادامه حیات در حکومت‌ها وجود نظم و امنیت در جامعه می‌باشد. حکومت‌ها در برقراری نظم و امنیت تمایل به استفاده از قوه قهریه و برخورد پلیسی آن هم برخورد مسلحانه پلیس ندارند، بلکه در وهله اول در جهت ریشه‌یابی عوامل ناامنی تلاش می‌شود و سپس با روش مسالمت‌آمیز سعی در برقراری امنیت می‌شود و چنانچه این تلاش نتیجه ندهد از قوه قهریه استفاده می‌کنند. در اجرای قانون فردی که مجری آن است و در این تحقیق مقصود کارکنان نیروی انتظامی می‌باشند، خود نباید مرتکب عمل خلاف قانون شوند؛ چراکه در واقع این امر نوعی هرج و مرج و قانون‌گریزی محسوب می‌شود. کارکنان نیروی انتظامی نیز در مواقعی که نیاز به استفاده از اسلحه در اجرای مأموریت‌های محوله دارند می‌بایستی برابر قانون به‌کارگیری سلاح از اسلحه خود استفاده کنند و اگر بدون رعایت شرایط مقرر در این قانون باشد خود مأمور انتظامی مرتکب جرم شده و برابر قانون مجازات می‌شود. در این تحقیق سعی شده است که شرایط تیراندازی، نحوه به‌کارگیری سلاح، مراتب استفاده از سلاح، شرایط فرد تیرانداز و ... مورد بررسی قرار گیرد. موارد زیادی از پرونده‌های تحت پیگرد در مراجع قضایی به‌خصوص در دادگاه‌های نظامی در حال رسیدگی می‌باشد که اتهام وارده به فرد انتظامی عدم رعایت قانون به‌کارگیری سلاح می‌باشد و متأسفانه در مواقعی فرد تیرانداز محکوم به جنایت عمدی علیه عضو یا نفس مجنی علیه شده و به طبع محکوم به پرداخت دیه یا قصاص می‌شوند؛ بنابراین در این تحقیق در پی آن هستیم که کارکنان ناجا با مطالعه قانون و رعایت آن گرفتار پرونده‌های قضایی و محکومیت‌های شدید نشوند.

## روش پژوهش

روش کار در این پژوهش به روش تحلیلی - توصیفی است. در وهله اول منابع پژوهش که اکثراً منابع کتابخانه‌ای و متنی هستند جمع‌آوری شده است. پس از آن، مطالعات و بررسی‌های لازم در منابع پژوهش صورت گرفته و از طریق فنون روش تحقیق اطلاعات لازم استخراج شده و سرانجام با استفاده از اطلاعات گردآوری شده، تحقیق پیش‌رو مورد تبیین و ارزیابی قرار گرفته است.



## تاریخچه قانون به کارگیری سلاح

بعد از ادغام نیروهای انتظامی، ژاندارمری، شهربانی و کمیته انقلاب اسلامی متمرکز، پیش نویسی تهیه و طی تشریفات قانونی با عنوان «لایحه به کارگیری سلاح توسط مأموران انتظامی در موارد ضروری» تقدیم مجلس شورای اسلامی شد که در جلسات متعدد مجلس شورای اسلامی و با حضور دستگاه‌های ذیربط مورد بررسی قرار گرفته و نهایتاً به این نتیجه رسیدند که چون سایر نیروهای مسلح هم غیر از نیروی انتظامی امکان استفاده از سلاح را دارند، جهت جلوگیری از تدوین قانون مجدد برای سایر نیروها به‌طور جامع و یک‌جا به این لایحه دید کاملی داشته باشند؛ بنابراین عنوان لایحه به این صورت اصلاح شد «لایحه به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح در موارد ضروری». بالاخره این لایحه در تاریخ ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ تحت عنوان «قانون به کارگیری سلاح در موارد ضروری توسط مأموران نیروهای مسلح» در مجلس شورای اسلامی تصویب و پس از تأیید شورای نگهبان برای اجرا به مبادی ذیربط ابلاغ شد.

## تعاریف واژه‌ها

### قانون

قانون دارای دو مفهوم عام و خاص بدین شرح است:

الف - مفهوم عام: به کلیه مصوبات و مقررات دولتی و مصوبات مجلس و... قانون گفته می‌شود.

ب - مفهوم خاص: کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی یا همان قوه مقننه که به تأیید شورای نگهبان رسیده و لازم الاجرا شده است قانون گفته می‌شود و در این تحقیق منظور از قانون مفهوم خاص آن است.

### به کارگیری

در لغت به معنای به کار گرفتن است و در این قانون دو معنای عام و خاص دارد:

الف - مفهوم عام: شروع مرحله سلاح‌کشی و مرحله استفاده از سلاح با رعایت مراتب تیراندازی و مرحله بعد از تیراندازی است.

ب - مفهوم خاص: با توجه به نوع کاربرد سلاح می‌توان گفت منظور از به‌کارگیری سلاح در مفهوم خاص تیراندازی می‌باشد.

### سلاح

در لغت سلاح در معنای آلت جنگ به‌کار گرفته شده<sup>۱</sup> یا هر آلتی که در جنگ به کار رود می‌باشد.

در نیروهای مسلح، سلاح به وسیله‌ای گفته می‌شود که برای تعرض یا دفاع به کار می‌رود.<sup>۲</sup>

در حقوق جزا منظور از سلاح، آلات و ادوات برنده یا سوراخ کننده یا له کننده می‌باشد.<sup>۳</sup>

سلاح‌ها به دو نوع گرم و سرد (به اعتبار آتشین بودن یا غیر آتشین بودن) تقسیم می‌شوند:

الف - سلاح گرم (سلاح آتشین): سلاحی که در اثر احتراق باروت، گلوله را شلیک می‌کند. مانند سلاح‌هایی که در اختیار نیروهای مسلح می‌باشد.

ب - سلاح سرد (غیر آتشین): سلاحی که کاربرد برنده، یا سوراخ کننده یا له کننده دارد.

### هدف از وضع «قانون به‌کارگیری سلاح»

در ماده ۴ قانون ناجا حدوداً ۳۴ مأموریت و وظیفه توسط قانون‌گذار به نیروی انتظامی محول شده است که لازمه اجرای بیشتر این مأموریت‌ها حمل و به‌کارگیری سلاح می‌باشد.

**مأموریت‌ها و وظایف تعیین شده در ماده (۴) قانون ناجا به دو دسته ذیل تقسیم می‌شود:**

الف - مأموریت‌هایی که لازمه اجرای آن حمل و به‌کارگیری سلاح می‌باشد؛ مانند مبارزه با مواد مخدر، مبارزه با قاچاق، مبارزه با منکرات و فساد، بازرسی و تحقیق، دستگیری متهمان یا مجرمان و جلوگیری از فرار و اختفاء آنها، پیشگیری از وقوع جرایم، کشف جرایم، اجرا و ابلاغ احکام قضایی.

ب- مأموریت‌هایی که لازمه اجرای آن‌ها حمل و به‌کارگیری سلاح نمی‌باشد؛ مانند اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی (بند ۱۲ همان قانون)، اجرای قوانین و

۱- فرهنگ عمید، ص ۷۲۴

۲- اداره آموزش ناجا، جزوه سلاح شناسی، ص ۱

۳- جعفرلنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۳۶۱



مقررات وظیفه عمومی (بند ۱۳ همان قانون) و ... .

استقرار نظم و امنیت و آرامش در جامعه از اصلی‌ترین اهداف حکام در جوامع است و بر این اساس حکومت در راستای مقابله با قانون‌شکنان به مأموران انتظامی اجازه داده است که با این افراد برخورد کنند و شدیدترین نوع برخورد استفاده از سلاح به جهت سرکوب این افراد می‌باشد. اما قانون‌گذار همچنان که به جهت برقراری نظم و امنیت چنین اختیاری به مأموران انتظامی داده است به جهت رعایت حقوق متهمان و جلوگیری از هرج و مرج و ضابطه‌مند کردن رفتار مأموران و همچنین اعمال سلیقه در برخورد با متهمان ضوابط و مقررات خاصی را در به کارگیری از سلاح برای مأموران در برابر افراد جامعه وضع کرده است.

### مأموران مسلح موضوع قانون به کارگیری سلاح

با عنایت به مفاد ماده ۱ قانون به کارگیری سلاح، مأموران مسلح مخاطب این قانون به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف: مأموران مسلحی که برابر قانون استخدامی مربوطه جزء نیروهای مسلح می‌باشند.

ب: مأموران مسلحی که نظامی نیستند و مشمول قوانین و مقررات استخدامی دستگاه‌های متبوع خودشان می‌باشند.

### الف) مأموران مسلح نظامی:

نیروهای مسلح، سازمان‌هایی نظامی و انتظامی هستند که به منظور حراست از مرزهای کشور و مقابله با تجاوز دشمنان و همچنین ایجاد و حفظ نظم و امنیت در داخل کشور و مقابله با قانون‌شکنان ایجاد می‌شوند. به استناد قانون استخدامی ارتش و سپاه و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و قانون استخدامی نیروی انتظامی، این نیروها در کشور ما عبارتند از ارتش، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی، بسیج، ستاد کل نیروهای مسلح، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح. سؤالی که در این جا مطرح می‌شود این است که دایره شمول قانون به کارگیری سلاح چیست؟

نیروهای مسلح برابر قانون استخدامی مربوطه دو وظیفه اصلی دارند؛ وظیفه اول مربوط به وظایف خاص نظامی آنان از قبیل مقابله با تجاوز به استقلال و تمامیت ارضی

کشور است و وظیفه دوم آنان اجرای وظیفه ضابطان قضایی است. بدین شرح که در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابطان را به آنان محول کنند جزو ضابطان قضایی تلقی می‌شوند.

با عنایت به این که در ماده یک قانون به‌کارگیری سلاح آمده است که مأموران مسلح موضوع این قانون به منظور استقرار نظم و امنیت و جلوگیری از فرار متهم یا در مقام ضابط قوه قضاییه یا سایر مأموریت‌های محوله مجاز به حمل سلاح می‌باشند اگر چه با قید سایر مأموریت‌های محوله، این مأموریت‌ها جنبه حصری نداشته و تمثیلی می‌باشد، به نظر می‌رسد سایر مأموریت‌های محوله باید هم‌ردیف و هم‌سان و مشابه موارد مذکور باشد لیکن از آنجا که درگیری با دشمن در منطقه جنگی توسط نظامیان و نیز تیراندازی‌هایی که در ارتباط با رزمایش‌ها و آموزش‌های رزمی و مقررات آیین‌نامه پاسداری انجام می‌یابد مووعی مستقل و دالی احکام خاص خود می‌باشد که هیچ مشابهتی با موارد مذکور ندارد؛ بنابراین از شمول مقررات قانون به‌کارگیری سلاح خارج هستند.

#### ب) مأموران مسلح غیر نظامی:

حسب تبصره ماده ۱ قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأموران مسلح، مأموران مسلح وزارت اطلاعات در اجرای وظایف و مأموریت‌های محوله قانونی مکلف به رعایت این قانون می‌باشند.

البته راجع به کارکنان وزارت اطلاعات که ضابط قوه قضاییه هستند یا خیر؟ باید گفت که قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران نه تنها اختیار ضابطان قوه قضاییه را به آنها واگذار نکرده، بلکه به موجب ماده ۴ قانون مذکور، کلیه امور اجرایی امنیت داخلی کشور را از وزارت اطلاعات سلب و بر عهده ضابطان قوه قضاییه محول نموده است.

بنابراین کلیه امور اجرایی امنیت داخلی کشور بر عهده ضابطان قوه قضاییه است و وزارت اطلاعات هیچ‌گونه مداخله‌ای اعم از احضار و جلب اشخاص، دستگیری و انجام تحقیقات را ندارد.

البته بر اساس قوانین حاکم فعلی، وزارت اطلاعات علاوه بر وظایف محوله در زمینه جمع‌آوری و پرورش اطلاعات در موارد محدود و خاص دارای اختیارات ضابطان قضایی



نیز می‌باشند؛ یعنی ضمن جمع‌آوری اطلاعات، خود نیز در جرایم مشخص اجازه برخورد و مقابله را نیز خواهند داشت؛ به عبارتی در حال حاضر وزارت اطلاعات بر اساس قانون تأسیس این وزارتخانه یک مرجع جمع‌آوری اطلاعات می‌باشد و دارای اختیارات ضابطان نمی‌باشد اما در بند «ب» ماده ۱۲۴ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در برخورد با مفاسد بزرگ اقتصادی و سرقت میراث فرهنگی کلیه اختیارات ضابطان را داشته و تحت دستور مقامات قضایی عمل می‌کند.

مستنبط از مجموع قوانین حاکم، مأموران مسلح مشمول قانون به کارگیری سلاح عبارتند از:

۱- کارکنان نیروهای مسلح اعم از نیروی انتظامی، ارتش و سپاه که به منظور استقرار نظم و امنیت و جلوگیری از فرار متهم یا مجرم یا در مقام ضابط قوه قضاییه به تفتیش، تحقیق و کشف جرایم و اجرای احکام قضایی و سایر مأموریت‌های محوله، مجاز به حمل و به کارگیری سلاح می‌باشند (ماده ۱ قانون به کارگیری سلاح).

۲- مأموران مسلح وزارت اطلاعات در اجرای وظایف محوله قانونی (تبصره ماده ۱ قانون به کارگیری سلاح).

۳- آن دسته از مأموران محیط زیست که ضابط دادگستری می‌باشند صرفاً هنگام انجام وظایف قانونی و در اجرای مأموریت‌های محوله برای کشف و تعقیب جرایم مصرح در قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در مار نیروهای مسلح محسوب و مکلف به رعایت قانون به کارگیری سلاح می‌باشند (ماده ۱۶ دستورالعمل خدمتی گارد محیط زیست مصوب ۷۵/۱/۱) (مصدق و همکاران، ۱۳۸۹)

### اهداف حمل و به کارگیری سلاح توسط مأموران مسلح

در ماده ۱ قانون به کارگیری سلاح قانونگذار هدف از حمل و به کارگیری سلاح را این چنین مقرر کرده است:

۱- استقرار نظم و امنیت؛

۲- جلوگیری از فرار متهم یا مجرم؛

۳- انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضاییه به عهده نیروهای مسلح است.

### شرایط مأموران مسلح موضوع قانون به کارگیری سلاح

در ماده ۲ قانون به کارگیری سلاح شرایطی را که مأموران صلاحیت حمل سلاح را دارند این چنین مقرر کرده است:

#### ۱- سلامت جسمانی و روانی متناسب با مأموریت محوله:

مأمورانی که قصد حمل سلاح را داشته باشند می‌بایستی از لحاظ جسمانی و روانی در سلامت باشند؛ به عنوان مثال شخصی که به هر علت مانند بیماری توانایی حمل سلاح کلاشینکف را ندارد. نمی‌توان این اسلحه را در اختیارش گذاشت و یا این که فرد دچار بیماری روانی یا در عصبانیت شدید باشد که احتمال ایراد صدمه به خود (خودزنی و یا خودکشی) یا دیگری را متصور سازد، امکان حمل سلاح را ندارد.

#### ۲- داشتن آموزش‌های لازم در راستای مأموریت محوله:

مأمورانی که قصد حمل سلاح را دارند می‌بایستی قبل از انجام مأموریت آموزش‌های لازم را در خصوص وظایف و مأموریت مسلحانه گذرانده باشند که در غیر این صورت صلاحیت حمل سلاح را ندارند؛ به عنوان مثال فردی که برای انجام پست نگهبانی همراه با سلاح اعزام می‌شود باید قبل از اعزام توسط مسئول مربوطه آموزش وظایف نگهبانی را گذرانده باشد.

#### ۳- تسلط کامل در به کارگیری سلاحی که در اختیار آنها گذارده می‌شود:

در مراکز آموزش فراگیران باید دوره‌های آموزشی سلاح‌شناسی و نحوه تیراندازی با سلاح‌های سازمانی را در میادین تیر، طی کنند که در تیراندازی با سلاح‌های سازمانی تسلط کامل داشته باشند. در ماده (۹) قانون به کارگیری سلاح قانون‌گذار بیان کرده، مأمورانی که آموزش کافی در مورد سلاحی که در اختیار آنان گذارده شده است ندیده‌اند، باید مراتب را به فرمانده خود اطلاع دهند و در صورتی که مأموریتی به این قبیل افراد محول شود فرمانده مسئول عواقب ناشی از آن خواهد بود مشروط به این که مأمور در حدود دستور فرمانده اقدام کرده باشد.





#### ۴- آشنایی کامل با قانون و مقررات مربوط به کارگیری سلاح:

در اجرای این بند مأموران مسلح باید قبل از حمل سلاح آموزش لازم را در خصوص قانون به کارگیری سلاح را طی کرده باشند. بنابراین شرکت در کلاس‌های آموزشی که به منظور آشنایی مأموران با قانون به کارگیری سلاح تشکیل می‌شود یکی از مهم‌ترین شرایط مأموران مسلح است (هراتی و همکاران، ۱۳۸۹).

#### شرایط تیراندازی توسط مأموران مسلح

##### بند اول - شرایط تیراندازی به سوی متهمان و مجرمان پیاده:

الف - شرایط مربوط به دفاع، دستگیری و حفاظت که در ماده (۳) قانون به کارگیری سلاح ذکر شده است. در واقع بدین معنی است که اصل بر عدم تیراندازی به سمت متهمان و مجرمان بوده مگر موارد این ماده رعایت شده باشد؛

ب - داشتن مأموریت در چهارچوب موارد ده‌گانه مندرج در تبصره (۲) ماده (۳)؛

ج - نداشتن چاره‌ای جز به کارگیری سلاح؛

د - در صورت اقتضای شرایط دادن اخطار (ایست) قبلی الزامی است؛

ه - در صورت امکان رعایت مراتب تیراندازی؛ شلیک تیرهوایی، تیراندازی کمر به پائین، تیراندازی کمر به بالا؛

خ - حتی المقدور هدف قرار دادن پای متهم و مراقبت از اینکه گلوله به اشخاص بی‌گناه اصابت نکند.

لازم به ذکر است رعایت مقررات قانون به کارگیری سلاح در موارد تیراندازی مأموران به سمت اهداف غیر مسلح می‌باشد و تیراندازی‌های مأموران در مناطق عملیاتی جنگی یا مقابله با اشراک و به‌طور کلی در عملیات‌های مسلحانه تابع این مقررات نبوده و بر مبنای اصول و قواعد اساسی رزم می‌باشد.

##### بند دوم - شرایط تیراندازی به سمت متهمان و مجرمان سواره:

الف - برخورد با شرایط مربوط به موارد هفت‌گانه ذیل ماده (۶) قانون به کارگیری سلاح؛

ب - تعبیه وسایل هشداردهنده به اندازه لازم در ایستگاه‌های ایست و بازرسی مانند موانع، تابلو و چراغ‌گردان؛

ج - اخطار دادن به راننده با صدای بلند و رسا و عدم توجه راننده به اخطار ایست؛

د - نداشتن چاره‌ای جز تیراندازی به سمت وسایل نقلیه؛

ه - در صورت عدم توجه به اخطار ایست مأموران، تیراندازی به سمت چرخ‌های خودرو.

لازم به ذکر است تیراندازی به سمت وسایل نقلیه به منظور متوقف ساختن آنها توسط مأموران موضوع این قانون می‌باشد.

**بند سوم - شرایط تیراندازی به سمت افراد شرکت کننده در راهپیمایی‌های غیرقانونی:**

الف - در راهپیمایی‌های غیر قانونی غیر مسلحانه:

مقام ذی‌صلاح برای تشخیص غیرقانونی بودن راهپیمایی‌ها رئیس شورای تأمین در استان و شهرستان می‌باشد و مقام ذی‌صلاح برای صدور دستور تیراندازی به سوی افراد شرکت کننده در این گونه راهپیمایی‌ها از سوی فرمانده عملیات خواهد بود. مأموران نیز باید قبل از تیراندازی به سمت افراد شرکت کننده در راهپیمایی از وسایل دیگری از قبیل گازهای اشک‌آور، ماشین‌های آب‌پاش، سپر و... استفاده کرده باشند و این وسایل مؤثر واقع نشده باشد و همچنین قبل از تیراندازی با اخلاص گران و شورشیان نسبت به به‌کارگیری سلاح اتمام حجت کرده باشند.

ب - در راهپیمایی‌های غیر قانونی مسلحانه:

برابر ماده (۵) قانون به‌کارگیری سلاح مأموران نظامی و انتظامی برای اعاده نظم و امنیت در راهپیمایی‌های غیر قانونی مسلحانه و ناآرامی‌ها و شورش‌های مسلحانه مجازند از سلاح استفاده کنند. مأموران مذکور موظفند به دستور فرمانده عملیات و بدون تعلل نسبت به برقراری نظم و امنیت، خلع سلاح و جمع‌آوری مهمات و دستگیری افراد و معرفی آنان به مراجع قضایی اقدام کنند.

از طرفی مطالعه مقررات قانون به‌کارگیری سلاح حکایت از این امر دارد که مأموران پلیس ایران در ۱۲ مورد اختیار تیراندازی دارند:



- ۱- برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم حمله می‌کنند؛
  - ۲- برای دفاع در برابر کسی که بدون سلاح حمله می‌کند ولی اوضاع به گونه‌ای باشد که بدون کاربرد سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد؛
  - ۳- در صورتی که مأمور مشاهده کند فردی مورد حمله واقع شده و جان وی در خطر است؛
  - ۴- برای دستگیری سارق و راهزن و کسی که اقدام به ترور، تخریب یا انفجار کرده و در حال فرار است؛
  - ۵- در مواردی که شخص بازداشت شده یا زندانی از بازداشتگاه یا زندان و یا در حال انتقال فرار نماید و اقدامات دیگر برای دستگیری وی ثمربخش نباشد؛
  - ۶- برای حفظ اماکن نظامی؛
  - ۷- برای حفظ سلاحی که برای انجام مأموریت در اختیار آن‌هاست؛
  - ۸- برای حفظ اماکن طبقه‌بندی شده؛
  - ۹- برای حفظ تأسیسات، تجهیزات و اماکن نظامی، انتظامی و امنیتی؛
  - ۱۰- کنترل ناآرامی‌ها و راهپیمایی‌های غیرقانونی غیرمسلحانه با رعایت شرایط و تشخیص رییس شورای تأمین به‌عنوان آخرین راهکار؛
  - ۱۱- کنترل ناآرامی‌ها و راهپیمایی‌های غیرقانونی مسلحانه به تشخیص فرمانده عملیات؛
  - ۱۲- تیراندازی به سوی اتومبیل به قصد متوقف ساختن آن در مواردی که بنا به قرائن و دلایل معتبر یا اطلاعات موثق، مسروقه باشد یا حامل افراد متواری، اموال مسروقه، کالای قاچاق، مواد مخدر، سلاح یا مهمات باشد.
- دقت در این موارد روشن می‌سازد که قانون‌گذار ایران در تعیین موارد تیراندازی رویه‌ای منسجم نداشته است. به‌گونه‌ای که در برخی موارد که نیازی به تجویز استفاده از سلاح نیست، این اجازه داده شده و در برخی موارد دیگر که ضرورت کاربرد سلاح احساس می‌شود، اجازه کاربرد سلاح از سوی قانون‌گذار سلب شده است. در ادامه نقایص قانون مذکور بررسی می‌شود.

در خصوص تجویز تیراندازی در موارد غیرضروری، می‌توان به امکان تیراندازی به سارق و راهزن، اتومبیل مسروقه یا اتومبیل حامل اموال مسروقه، افراد متواری یا کالای قاچاق، زندانی یا بازداشتی متواری، تیراندازی برای کنترل ناآرامی‌ها و راهپیمایی‌های غیرمسلحانه و حفظ اماکن طبقه‌بندی شده غیرحیاتی و غیرحساس اشاره کرد. با توجه به پیامدهای تیراندازی می‌توان گفت که تیراندازی در این موارد ضرورتی ندارد و فقط در مواردی توجیه‌پذیر است که جان مأمور یا شهروند بی‌گناه در خطر باشد. در موارد اشاره شده، اهمیت جرم یا خطر به میزانی نیست که بتوان برای کنترل خطر یا دستگیری بزه‌کار، تیراندازی نمود. در این موارد، پلیس می‌تواند بر حسب مورد از ابزارهای دیگری از قبیل مذاکره، افشانه اشک‌آور، شوکر و سلاح‌های لیزری یا سلاح‌های دارای گلوله پلاستیکی استفاده کند. تیراندازی به راهپیمایی‌ها و ناآرامی‌های غیرمسلحانه نیز قابل نقد است، مگر این‌که ناآرامی به خشونت منجر شود و جان شهروندان و عابران در خطر باشد که در این صورت برای حفظ جان آن‌ها می‌توان از این ابزار مرگ‌بار استفاده کرد. با وجود این، نباید جانب احتیاط و ضرورت را فراموش کرد؛ چرا که تجمع و اعتراض مدنی یکی از اساسی‌ترین حقوق شهروندی است و قانون اساسی ایران نیز آن را به رسمیت شناخته است.

در خصوص مواردی که تجویز تیراندازی را ایجاب می‌کند، ولی مقررات جاری به آن نپرداخته است، می‌توان به تیراندازی به سوی گروگان‌گیر، بمب‌گذار انتحاری و فردی که به سوی شخصیت‌های مهم تیراندازی یا حمله می‌کند، اشاره کرد. هر چند این موارد را می‌توان در قالب‌بند‌های دوازده‌گانه گنجانده، با توجه به تصریح موارد مجاز تیراندازی و اشاره مکرر به برخی از آن‌ها، بهتر است موارد اخیر نیز به صراحت در قانون به‌کارگیری سلاح در موارد ضروری بیان شود (افراسیابی، ۱۳۹۴).

### ضمانت اجرای قانون به‌کارگیری سلاح

در ماده (۱۶) قانون به‌کارگیری سلاح و ماده (۴۱) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مجازات مأمورانی که بر خلاف قانون اقدام به تیراندازی کرده‌اند را به شرح ذیل تعیین کرده است:



الف - ماده (۱۶) قانون به کارگیری سلاح مقرر می‌دارد «هر گاه مأمور بر خلاف مقررات این قانون اقدام به به کارگیری سلاح نماید، حسب مورد به مجازات عمل ارتكابی وفق قوانین تحت پیگرد قرار می‌گیرد.»

ب - ماده (۴۱) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مقرر می‌دارد «هر نظامی که در حین خدمت یا مأموریت بر خلاف مقررات و ضوابط عمدا مبادرت به تیراندازی نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود و در صورتی که منجر به قتل یا جرح شود علاوه بر مجازات مذکور، حسب مورد به قصاص یا دیه محکوم می‌شود.»

تبصره ۱ - چنانچه تیراندازی مطابق مقررات صورت گرفته باشد مرتکب از مجازات و پرداخت دیه معاف خواهد بود و اگر مقتول یا مجروح مقصر نبود و بی‌گناه باشد دیه از بیت‌المال پرداخت خواهد شد.

### ضرورت و اهمیت آموزش قانون به کارگیری سلاح

کارکنانی که در نیروی انتظامی مشغول به خدمت هستند اکثر با توجه به ماهیت کار پلیسی خود نیازمند حمل سلاح می‌باشند و این موضوع ضرورت علم به قانون به کارگیری سلاح را نمایان می‌کند. برابر بررسی‌ها و هم‌چنین پرونده‌های مطروحه در مراجع قضایی تعدادی از کارکنان نیروی انتظامی به دلیل عدم رعایت قانون به کارگیری سلاح مرتکب جرح یا فوت متهمان یا مجرمان شده‌اند و باعث مشکلات عدیده‌ای برای ایشان شده است؛ بنابراین به منظور کاهش و رفع معضلات ناشی از این امر این تحقیق سعی در ارتقای مهارت کارکنان در امر آشنایی با قوانین به کارگیری سلاح داشته است. بنابراین مأموران موظف هستند پیش از به کارگیری سلاح نکات زیر را رعایت کنند:

#### ۱- گزارش دادن بیماری جسمی و روانی خود به فرمانده یا رییس مربوطه

قانون‌گذار در ماده ۲ شرایط خاصی را برای مأموران مسلح احصاء نموده؛ بنابراین چنانچه مأموران احراز کنند که فاقد این شرایط از جمله سلامت جسمی و روانی بوده یا این‌که شرایط مذکور را از دست داده‌اند باید مراتب فوق را به فرماندهان خود گزارش کنند.

## ۲- گزارش عدم آموزش یا ضعف آموزش لازم:

چنانچه مأموران آموزش لازم در خصوص قانون به کارگیری سلاح را نگذرانده‌اند یا این‌که آموزش لازم و کافی در مورد سلاحی که در اختیار آنان گذارده شده را ندیده‌اند باید مراتب را به فرمانده خود اطلاع دهند. ماده ۹ قانون به کارگیری مقرر داشته: مأمورانی که آموزش کافی در مورد سلاحی که در اختیار آنان گذارده شده است ندیده‌اند باید مراتب را به فرمانده خود اطلاع دهند در صورتی که مأموریتی به این قبیل افراد محول شود فرمانده مسئول عواقب ناشی از آن خواهد بود مشروط بر این‌که مأمور در حدود دستور فرمانده اقدام کرده باشد.

قسمت اخیر این ماده ابهامات زیادی دارد و مشخص نیست که منظور از عبارت فرمانده مسئول عواقب ناشی از آن خواهد بود به چه معناست؟ و مسئولیت کیفری و حقوقی ناشی از اقدام مأمور خاطی به عهده چه کسی است؟ آیا مأمور، مسئولیت کیفری و حقوقی ندارد و تمام مسئولیت‌ها به عهده فرمانده است؟ این موضوع مخالف با ماده ۵۷ است که بحث آمر و مأمور را مطرح کرده و به هر حال موضوع پرداخت دیه و ضمان مالی را به عهده مأمور گذاشته است؟ آیا ماده ۹ قانون به کارگیری سلاح با ماده ۳۳۲ قانون مجازات اسلامی که مقرر داشته: «هرگاه ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی، تیراندازی کرده و هیچ‌گونه تخلف از مقررات نکرده است ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جز مواردی که مقتول یا مصدوم مهدورالدم نبوده دیه به عهده بیت‌المال خواهد بود» در تعارض نمی‌باشد؟

عده‌ای معتقدند که مأمور مسئولیت دارد و فرمانده نیز مشمول ماده ۵۴ می‌شود؛ اما این برداشت صحیح نمی‌باشد زیرا ماده ۵۴ ق.م.ج.ن.م. مربوط به تقصیر جزایی فرماندهان و مسئولان رده‌های مختلف نیروهای مسلح است، در ثانی رابطه علیت نیز بین نتیجه مجرمانه و اقدام فرمانده و مأمور وجود ندارد.

آن‌چه که بدیهی است در اجرای ماده ۹ مأمور دو وظیفه دارد؛ اول این‌که باید اطلاع بدهد که آموزش کافی ندیده است و دوم این‌که باید در حدود دستور اقدام کند و در نتیجه عدم آموزش، قتل یا ضرب و جرح یا خسارتی به دیگری وارد شود و اگر این دو وظیفه را انجام دهد با توجه به این‌که امر آمر قانونی به‌عنوان یکی از علل موجه جرم در



بند یک ماده ۵۶ ق.م. اسلامی گرفته شده به نظر می‌رسد که مأمور، مسئولیت کیفری و حقوقی نداشته و فرمانده مسئول عواقب ناشی از اقدام مأمور خواهد بود.

### پیشنهادها و راه‌کارهای پیشگیری از اقدام مأموران مسلح برخلاف قانون به کارگیری سلاح:

- الف - آموزش علمی کارکنان در مراکز آموزش و در قبل از ترخیص فراگیران از این مراکز؛
- ب - آموزش بدو خدمت با بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی موجود، حداقل به صورت هفتگی و با استفاده از اساتید مجرب رشته حقوق؛
- ج - عدم به کارگیری سریع سلاح به عنوان اولین راه کار دستگیری متهمان یا مجرمان، بلکه استفاده از تدابیر لازم و امکانات موجود جهت مهار و توقیف سوژه مورد نظر بدون استفاده از سلاح؛
- د - تنظیم گزارش صحیح از واقعه تیراندازی؛ چرا که در برخی مواقع تیراندازی با رعایت قانون بوده ولی متأسفانه تنظیم گزارش و صورت جلسه به صورت ناقص بوده که باعث محکومیت کارکنان شده است؛
- ه - دارا بودن شرایط قانونی فرد حامل سلاح برابر مواد ۱ و ۲ قانون به کارگیری سلاح؛
- خ - منشأ ذهنی تیراندازی باید دلایل و قرائن موثق جرم باشد نه ظن و گمان مأمور؛
- ر - استفاده از فشنگ غیرجنگی در خشاب اسلحه به عنوان اولین فشنگ برای دفع احتمالی خطر به ویژه در امورات نگهبانی؛
- ز - ارتقای سطح مهارت تیراندازی کارکنان؛
- ط - ارتقای سطح آموزش سلاح شناسی کارکنان؛
- ظ - ارتقای سطح آمادگی جسمانی و دفاع شخصی کارکنان تا در موارد درگیری فیزیکی بلافاصله مأموران از سلاح استفاده نکنند؛
- ع - فرماندهان در مأموریت‌های مسلحانه از مأمورانی استفاده کنند که مسلط به قانون به کارگیری سلاح باشند؛

غ - تشریح پرونده‌های محکومیت قضایی کارکنان متخلف در امر تیراندازی برای عبرت‌آموزی سایر کارکنان؛

ف - به کارکنان آموزش داده شود که قانون‌گذار در هر صورت، حقوق همه افراد جامعه حتی مجرمان را محترم شمرده است و چنانچه مرتکب جرم شوند، باید در محاکم قضایی جوابگو باشند.

### نتیجه‌گیری

برقراری نظم و امنیت از مهم‌ترین اهداف حکومت‌ها است و برای تأمین آن در ابتدا از روش‌های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و... استفاده می‌کنند و چنانچه این روند کافی نباشد از قوه قهریه استفاده می‌کنند. نماد قوه قهریه در جوامع معمولاً پلیس است که در این‌گونه موارد با خشونت برخورد می‌کند و چنانچه این امر نیز کافی نبود، مأموران برای برقراری نظم و امنیت و آرامش در جامعه به‌ناچار و به‌عنوان آخرین راه‌کار از اسلحه استفاده می‌کنند. حمل سلاح برای افراد جامعه در اکثر دولت‌ها جرم‌انگاری شده است؛ ولی پلیس به دلیل وجود قانون اهم از آن برای کنترل جامعه با عنوان علل موجهه جرم حمل استفاده می‌کند. برای این‌که اقدام پلیس منجر به هرج و مرج و اقدام سلیقه‌ای نشود و رفتار آن نیز ضابطه مند شود، قانون‌گذار به این منظور «قانون به‌کارگیری سلاح» را مصوب کرده است. در این صورت نیز چنانچه مأموران مسلح دولتی بر خلاف مقررات این قانون از سلاح استفاده کنند خود مرتکب جرم شده و مورد تعقیب قضایی قرار می‌گیرند و دچار عواقب ناشی از آن می‌شوند و البته اگر استفاده از سلاح بر اساس این قانون باشد مسئولیتی متوجه مأمور مسلح نمی‌شود. گفتنی است در این قانون مأمورانی که می‌توانند سلاح حمل کنند، شرایط مأموران مسلح، شرایط قانونی تیراندازی، تناسب سلاح با نوع مأموریت و ... همگی تعیین شده است. پس باید مأموران مسلح، به این قانون اشرافیت لازم را داشته باشند؛ چرا که به‌صورت مستمر امکان استفاده از سلاح را دارند و در نتیجه به‌صورت عمد یا غیر عمد از قوانین آن تخطی نکنند.





## منابع

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲). حقوق جزای عمومی. چاپ سی و سوم، تهران: نشر میزان.
- افراسیابی، علی (۱۳۹۴). اختیارات قانونی پلیس در کاربرد سلاح گرم (مطالعه تطبیقی سیاست جنایی ایران و انگلیس). آموزه‌های حقوق کیفری/ پژوهش‌ها، شماره ۹.
- آزادی، حشمت‌اله (۱۳۹۴). دانستنی‌های پلیس پیشگیری، نشر معاونت تربیت و آموزش ناجا، تهران، چاپ اول.
- اداره آموزش ناجا (۱۳۹۰). جزوه سلاح شناسی، ص ۱.
- جعفرلنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲). ترمینولوژی حقوق. ص ۳۶۱.
- رضوی، محمد (۱۳۸۵). جرایم و مجازات نیروهای مسلح به انضمام کاربرد قانونی سلاح. چاپ چهارم، تهران: نشر هستی نما.
- مصدق، محمد و همکاران (۱۳۸۹). دفتر آموزش و پژوهش. مقررات قانونی به کارگیری سلاح.
- هراتی، حسن رضا؛ ساجدین، علیرضا؛ محمدی، محمدرضا (۱۳۸۹). قانون به کارگیری سلاح توسط مأموران نیروهای مسلح، معاونت آموزش و پشتیبانی یگان حفاظت محیط زیست.

